

بررسی امنیت اجتماعی زنان و چالش های آن

سیده مرجان دبیری^۱

چکیده:

پیش نیاز هرگونه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی احساس امنیت است. آگاهی از احساس امنیت ساکنان یک جامعه نقش مؤثری در شناخت چالش ها و ارائه راهبردهای توسعه ای در آن جامعه دارد. یکی از مهم ترین مواردی که توسعه یافتگی را تحت تأثیر قرار می دهد، امکان دسترسی زنان مانند مردان به احساس امنیت است. این امر برای زنان در جامعه محسوس تر است. لذا زنان آسیب پذیرترین قشر جامعه در رابطه با موضوع امنیت زنان هستند و مقوله هایی چون محل سکونت و حمایت اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان در کلیه شهرها مؤثر بوده و در مقابل وضعیت نامناسب اقتصادی، مزاحمت های خیابانی و همسرآزاری نیز از مهم ترین دغدغه های بسیاری از زنان به حساب می آید. ضرورت ایجاد فضاهای شهری ایمن برای زنان در جایگاه اقشار آسیب پذیرتر جامعه از مسایل مهم و قابل توجهی است که با مسایلی چون جرم، خشونت، قربانی شدن، پیشگیری از درماندگی و افسردگی در ارتباط قرار می گیرد. رفع تنگناها و خلاءهای حقوقی و قانونی، طراحی برنامه های حمایتی، آموزشی، پیشگیرانه و فراهم کردن زمینه و بستر بروز توانمندی های زنان و حمایت های قانونی و اجتماعی لازم، از خط مشی هایی است که باید در تدوین سیاست ها و برنامه های کلان مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه ها: زنان، امنیت اجتماعی، چالش ها

^۱ کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی - کارشناس رفاه اجتماعی (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

مقدمه

احساس ناامنی، از مهمترین دغدغه های جوامع معاصر، به ویژه در کشورهای پیشرفته است؛ این بدین معنی است که گسترش این پدیده با سطح توسعه جامعه ارتباط داشته و به گونه ای، آینده اغلب جوامع محسوب می گردد امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست امنیت پیش از آنکه قابل تعریف باشد پدیده ای ادراکی و احساسی است یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم وجود دارد از اینرو امنیت یکی از مولفه های اساسی رفاه اجتماعی و از اساسی ترین نیازهای هر جامعه است و زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه گروه آسیب پذیری هستند که امنیت آنها از راه های گوناگون در معرض تهدید قرار دارد. زیرا جنسیت و خصوصیات بیولوژیکی معطوف به آن، معنا و احساس متفاوتی از امنیت ایجاد می کند و عموماً زنان بیشتر از مردها احساس ناامنی می کنند. احساس امنیت مقوله ای فراتر از صرف وجود امنیت در جامعه است عواملی چون: وضعیت تاهل، رضایت از وضعیت ظاهری، حمایت خانواده، چگونگی برخورد دیگران، تعهد مذهبی و... از عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در میان زنان هستند که در این میان حمایت خانواده بیشترین تاثیر را دارد.

شهرها از نظر امنیت، جاذبه ای برای زنان ندارند و آنها هنگام تردد در سطح شهر فاقد امنیت جسمی و روحی لازم هستند که این امر بویژه در زمینه حمل و نقل و جابه جایی در شهر بیشتر نمایان می شود. چرا که مولفه های امنیت اجتماعی همچون؛ امنیت احترام و آبرو، بطور مساوات رعایت نشده یا کلاً نادیده گرفته می شود و امنیت اجتماعی زنان یعنی حالت بی خطری و فقدان تهدید نسبت به سکونت و معیشت و آبرو و روابط اجتماعی زنان با تلنگری مورد تعرض قرار می گیرد.

فرق است بین امنیت و احساس امنیت. امنیت مفهومی است که با جرم و آسیب ارتباط پیدا می کند و بعد کمی دارد، اما احساس امنیت بیشتر امری کیفی و ذهنی است. احساس ایمنی آن است که من در درون خودم این احساس را داشته باشم که امنیت دارم و تهدید نمی شوم، حال ممکن است این احساس با امنیت و ایمنی تناسب داشته یا نداشته باشد (احمدی، ۲۷۳: ۱۳۸۵) از اینرو احساس امنیت از جمله مقولات مهم در هر جامعه ای به شمار می رود و مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است .

آنتونی گیدنز ادعا می کند که نیاز به داشتن احساس امنیت یا پرهیز از اضطراب در روابط اجتماعی، نه یک پدیده شناختی، بلکه یک پدیده عاطفی است که در ناخودآگاه انسان ریشه دارد و او آن را «امنیت وجودی» می نامد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

آنچه در بین زنان بیش از آمار و ارقام عدم امنیت مشاهده می‌شود، احساس ناامنی است. اگر چه امنیت اهمیت دارد، اما بسیاری احساس امنیت را مهم‌تر از امنیت می‌دانند. عموماً در بین زنان این تصور و ذهنیت وجود دارد که در جامعه برای آنان امنیت وجود ندارد. حتی اگر به نظر در جامعه امنیت وجود داشته باشد، اما زنان ممکن است احساس امنیت نداشته باشند.

در این میان زنان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در رابطه با موضوع امنیت زنان هستند و مقوله‌هایی چون محل سکونت و حمایت اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان در کلیه شهرها مؤثر بوده و در مقابل وضعیت نامناسب اقتصادی، مزاحمت‌های خیابانی و همسرآزاری نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های بسیاری از زنان به حساب می‌آید.

روش کار:

روش شناسی این پژوهش به صورت مروری- نقلی می‌باشد که در این مقاله و برای رسیدن به اهداف و مستندات مرتبط با نگارش از منابع اطلاعاتی گوگل-یاهو-ایرانداک-سیویلیکا- و همچنین کتابخانه‌ها (اسناد) و سایر پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شده است. برای اینکه بتوان به طور دقیق‌تر به بررسی مسائل و موانع مشارکت فعال زنان در مبانی جامعه پردازیم، ابتدا این موانع را به دو دسته کلی تقسیم بندی نموده و سپس به توضیح عناصر جزئی‌تر آن می‌پردازیم.

۱- موانع درون‌زا

این دسته موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، به موانعی اطلاق می‌گردد که عمدتاً طبیعت ذاتی داشته و جزء لاینفک ساختار و جنسیت زنان است که عبارتند از:

الف - ساختار جنسی زنان

واضح است زنان از لحاظ بافت جسمی و فیزیکی نسبت به مردان دارای تفاوت‌های ویژه‌ای می‌باشند و به همین لحاظ دارای موانع و محدودیتهای خاص برای مشارکت در مسائل و کارآیی لازم برای انجام بعضی از امور می‌باشند، همچنان که مردان از همین بعد دارای محدودیت هستند. البته این مانع نباید به عنوان یک ضعف و نقصان تلقی گردد، هر چند این گونه تلقی نشده است، به طور مثال زنان از لحاظ فیزیکی و جسمی قابلیت شرکت در بعضی از امور و فعالیتها را که نیاز به توانایی جسمی و فیزیکی ویژه دارد دارا نمی‌باشند و قطعاً این مطلبی نیست که محیط پیرامون و شرایط اقلیمی به وجود آورنده آن باشند، بلکه یک خصلت ژنتیکی و فطری است همچنان که در اکثر موجودات دیگر این خصلت وجود دارد.

ب - موانع ناشی از وظایف ویژه زنان

بعضی از موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان در تکاپوی اجتماع، نشأت گرفته از وظایف ویژه است که بالطبع به زنان محول گردیده است؛ مانند زایمان، شیر دادن و ... از این رو به لحاظ اینکه طبعاً این گونه وظایف از عهده مردان خارج است، زنان دچار مسائل و محدودیت گردیده اند به طوری که وقتی یک زن در طول دوران خانه داری، به بیش از ده زایمان مبادرت می ورزد و بالطبع برای هر زایمان بخواهد به مسائل و وظایف پیرامون آن مانند شیر دادن، تربیت و ... پردازد، عملاً هیچ گونه فرصت و وقت باقی مانده ای نخواهد داشت تا به امور دیگر مانند شرکت در فعالیتهای اجتماعی و کسب دانش و معرفت پردازد. لذا زنان موجوداتی خواهند بود که وظیفه ای به جز تولید نسل نخواهند داشت و وقتی مهمترین و اصلی ترین تولید آنان، تولید نسل و کودک است و به همین خاطر از تمامی غرائز مثبت و منفی تهی گردیده و تنها با قواره بیرونی و پوسته ظاهری مورد توجه می باشند از یک طرف به عشوه گری و مشاطه گری می پردازند و از طرف دیگر به تولید خود که همان فرزند آوری است، سخت احساس وابستگی و نیاز می کنند چرا که این تنها وسیله ای برای «شدن» و «بودن» است و لذا قبل از اینکه احساس مادری باشد، احساس هویت داشتن و بودن است و در واقع نوعی احساس مالکیت خواهد بود که جانشین احساس مادری شده است. چندان که وقتی بچه ها بزرگ می شوند و به موقعیت و مقامی و منزلتی دست می یابند، معمولاً این مادران هستند که احساس رضایتمندی می کنند و احساس بودن می کنند، چون در طول دوران گذشته (زایمان، شیردهی، تربیت) مادر تمامی بودن خود را در فرزندان خلاصه کرده است بدون اینکه زمانی و فرصتی برای رسیدگی به خود و تعمیق معارف و دانش خود داشته باشد و زمانی فرا می رسد که می بیند، فرزندان بزرگ شده اند و از خودش جز موجودی فرسوده باقی نمانده است و از این رو است که «شدن» و «بودن» فرزندان را در شدن خویش احساس می کند و احساس می کند که خودش به ثمر رسیده است. این احساس وابستگی و نیاز در زنان که مهمترین وظیفه خود را در تولید نسل می دانند و قطعاً ناشی از تبعیضات جنسی است، موجب خواهد شد که زنان از رشد و تعالی فاصله بگیرند و همچنین فرزندان مستقلاً نیز تربیت نکنند؛ چرا که در این گونه روابط، مادران اجازه مستقل شدن، آگاه شدن و در نتیجه آزاد زیستن و اندیشیدن را به فرزندان خود نمی دهند.

۲- موانع برون زا

این دسته از موانع، موانعی هستند که رابطه ای با جنسیت زنان ندارد، بلکه موانعی هستند که در طول دورانهای گذشته، به لحاظ مسائل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ایجاد گردیده و امروزه جزئی از شاکله شخصیتی جوامع گردیده اند. یا به عبارت بهتر، جزئی از فرهنگ عمومی اجتماع شده اند؛ تا آنجا که اکثریت زنان نیز این مسائل را به عنوان یک پدیده طبیعی پذیرفته اند:

الف - فرهنگ و باورهای عمومی

جایگاه و شخصیت زن در اذهان و باورهای عمومی هر جامعه، نشان دهنده میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه است. به طوری که تصویری که تصویر می را که فرهنگ عمومی یک ملت از زن ارائه می دهد، در واقع نگرش و دیدگاه مردم آن جامعه به زن می باشد و این تصویر را در برخوردها، آداب و رسوم، سنتها، ادبیات و ارزشهای شایع و ... آن ملت می توان ارزیابی نمود. امروزه در جوامع، اغلب صفات انسانی به نام مردان ثبت شده است و جزء صفات مردانه محسوب می شوند. مانند خوش خلقی، شجاع بودن و سختکوشی، صفات مردانه است و بر عکس آسان گیری، چشم پوشی، بی وفایی و ... صفاتی زنانه محسوب می شوند. به طوری که اگر نگاهی به چهره زن در ادبیات فارسی داشته باشیم، دیدگاه جامعه ملی ایران را نسبت به زن در گذشته و امروز در خواهیم یافت؛ چنان که یکی از نقطه های مشترک ادبیات ما با فرهنگ عمومی، تلقی بدبینانه ای است که از هر دو سو نسبت به زن شده است و در ادبیات ملی که زبان گویای فرهنگ عمومی جامعه است، زن به عنوان نماد سستی و ضعف و ترس قلمداد می گردد و در همه جا و همه زوایای گوناگون آثار ادیبان و شاعران دیروز و حتی امروز، زن عنصری شکننده و ناپایدار است و این مسأله تا بدان جا پیشرفت کرده است که برداشت منفی و ناصواب از شخصیت زن در روح و ذهن و زبان زنان شاعر و ادیب نیز رخنه کرده است.

این فرهنگ عمومی ماست که زنان نیک و موفق را همیشه به مردان تشبیه کرده است و مردان بد همواره مانند زنان تلقی شده اند. چندان که بدترین صفت برای مردان مساوی با زن بودن و بهترین صفت زن مردانگی آن است.

آنچه از فرهنگ عامه و باورهای عمومی مردم برمی آید، آن است که گویی زن را خداوند فقط برای خانه داری خلق کرده است و شجاعت و دلاوری زنان در فرهنگ عمومی پدیده ای غریب می نماید؛ چرا که همواره آن را «ضعیفه» نامیده اند و اگر بگوییم «زنی شجاع» صفتی را به موصوفی نسبت داده ایم، که بعید است و باید بگوییم زن مگو بلکه فلان...

حال به خوبی روشن است که چرا زنان در یک چنین باور و فرهنگ عمومی نمی توانند جایگاه واقعی و حقیقی خود را دریابند و همواره به عنوان موجودی ثانوی قلمداد می گردند.

ب - ارزشهای شایع

ارزشهای شایع در هر جامعه و پایبند بودن به آنها در جامعه از دیدگاه افراد آن جامعه اهمیت فراوانی دارد. به طوری که بسیار اتفاق می افتد که نقص قانون وضع شده از طرف دولت چندان در نظر مردم ضد ارزش تلقی نگردد ولی نقص ارزشهای شایع از نظر مردم شدیداً ارزیابی منفی ایجاد می کند. ارزشهای شایع در بین مردم دارای یک منشاء و ریشه خاصی نیست، بلکه بعضی از آنها ناشی از موقعیتهای جغرافیایی و اقلیمی، بعضی ناشی از مذهب و باورهای دینی و برخی نیز ناشی از سنتها و خرافات موروثی در این جوامع است. البته این ارزشها در جاهای مختلف از نظر شدت و ضعف به یک میزان نیست اما آنچه در این مقوله مورد توجه است اینکه در اکثر جوامع ارزشهای شایع مربوط به زنان، دارای حساسیت ویژه ای است و متأسفانه بسیاری از مواقع این ارزشهای شایع در جهت محدود و محبوس کردن ناصحیح و غیر منطقی زنان ایجاد گردیده اند. مثلاً در بعضی از مناطق، زنانی که در بیرون از خانه کار می کنند در مظان اتهام قرار دارند و از لحاظ ارزشهای شایع به غیر مسؤول یا غیر اسلامی بودن متهم می گردند.

پ - عدم تخصص و سواد

یکی از مسائل و مشکلات زنان در جوامع، عدم بهره مند بودن از تخصص و مهارتهای لازم و سطح سواد مورد نیاز است. و این مطلب خود ناشی از موانعی بوده که بر سر راه تحصیل و دست یافتن به تخصصهای لازم به وجود آمده است. چنان که در جوامع، تا دیروز زنان را از دستیابی به تخصص و تحصیلات به دلایل مختلف فرهنگی محروم کرده اند و امروز آنها را به خاطر عدم تواناییهای لازم علمی، فنی، مدیریتی و ... به باد استهزاء می گیرند. تا دیروز حضور و ظهور زنان در عرصه های فرهنگ و دانش، عیب بزرگ و نابخشودنی بود و زن موجودی بود که باید در کنج خانه ها و پستوها مخفی می ماند و امروز عقب ماندگی و ناتوانیهای متعدد زنان که زاییده همان طرز تفکر و شرایط است به استهزاء گرفته می شود.

امروزه علی رغم پیشرفتهایی که در وضعیت آموزش در سطح جهان به وجود آمده است، در سال ۱۳۹۶ قریب به ۹۴۸ میلیون نفر از بزرگسالان در جهان (حدود ۴۱ جمعیت) بی سواد بوده اند که بخش قابل توجهی از این رقم را زنان تشکیل می دهند. در همین سال، حدود ۱۳۰ میلیون کودک در جهان دسترسی به آموزش ابتدایی نداشته اند که ۶۱ درصد آن یعنی ۸۱ میلیون آنها از دختران می باشند. در ۲۹ کشور جهان در سالهای ۶۸-۱۳۶۴

(۸۹ - ۱۹۸۵) کمتر از ۳۰ درصد از زنان قادر به خواندن و نوشتن بودند و متأسفانه باید اذعان داشت که از این کشورها، تعداد قابل توجهی کشورهای مسلمان می باشند.

بنابراین طبیعی است زنی که به لحاظ عدم تخصص و تحصیلات لازم از مسؤولیتهای انسانی اش تهی می گردد، حتی امکان لازم و کافی بروز غرائز طبیعی مثبت و منفی را هم نخواهد داشت. چه رسد به اینکه در جامعه بخواهد اعتلا و رشد یابد. البته رشد کرده اند، متتها از آن به بعد که بیشتر مورد توجه و تشویق مردان قرار گرفته اند و بیشترین تجربه ای که اندوخته اند، آن است که با قواره های جسمی و ظواهر دلفریب جلوه نمایند.

غیبت زنان از صحنه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طول اعصار گذشته موجب گردیده است که آنان دچار رکود فکری گردند و این رکود فکری سر از یک دور باطل درآورده است پرواضح است که سهمی که زنان در مسؤولیتهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ... نسبت به مردان دارند، بسیار محدود و مختصر است.

ت - باورها و برداشتهای دینی

از جمله مسائلی که در رابطه با زنان همواره بر سر آن مناقشه بوده است، برداشتهای متفاوت دینی در رابطه با زن، حجاب، فعالیتهای بیرون از خانه، تحصیلات و ... بوده است. چندان که در بین علمای اسلام همواره در رابطه با مسائل مذکور، اتفاق نظر وجود نداشته است. به طور مثال در مورد حجاب بعضی افراد تا آنجا پیش رفته اند که باید زن را در پستوهای خانه ها نگه داشت و زنان خود را هیچ گاه به اسم صدا نکرد؛ مادر بچه ها «عیال» و «ضعیفه» یا به نام پسر بزرگ و ...

در مورد تحصیلات و سواد آموختن زنان برداشتهای متفاوتی از دین صورت گرفته است. به طور کلی در مورد تحصیلات زنان دو نظر متضاد وجود داشته است: یکی منع آموزش زنان به طور مطلق و دیگری دیدگاه آزادی تعلیم و تعلم است. در میان معتقدان به منع آموزش زنان، برخی آموزش زن را حرام و برخی مکروه می دانند و در میان موافقان، برخی واجب و برخی مستحب می دانند.

ث - عدم خودباوری و اعتماد به نفس

یکی از مقوله هایی که گریبانگیر زنان جوامع از جمله زنان جامعه ایران است، عدم خودباوری و اعتماد به نفس در مقابل مسؤولیتهای اجتماعی و بیرون از خانه است. چرا که در طول دورانهای گذشته، از نهاد خانواده گرفته تا پهنه اجتماع، این مسأله به زنان و دختران تلقین شده است که شما برای امور بیرون از خانه ساخته نشده اید و فرزند دختری که در یک خانه به دنیا می آید، با این باور عمومی و فرهنگ رشد می کند که «من دخترم» و این بدان مفهوم است که باید از بسیاری از امور بپرهیزم و این موجب می گردد که علی رغم اینکه زنان در

بسیاری از امور از تواناییها و قابلیت‌های خوبی برخوردارند، خود را باور نداشته باشند و این تا آنجا پیش رفته است که اگر زنانی در این بین به خودباوری رسیده باشند، متأسفانه ابتدا از طرف زنان مورد استهزاء و کنایه قرار می‌گیرند. خودباوری و اعتماد به نفس در زنان جامعه، باید از نهاد خانواده صورت بگیرد و این مسأله به صورت باور عمومی به سطح جامعه، تعمیم داده شود.

ج - مردسالاری

آنچه در اکثر جوامع وجود دارد، نهاد خانواده به صورت مردسالاری اداره می‌شود. حال این مرد ممکن است همان پدر خانواده باشد و بعد از آن در صورت از کار افتادگی پدر یا فوت او به وسیله پسر ارشد؛ اما اینکه مردسالاری به عنوان یک مانع برون‌زا در سر راه رشد و تعالی زنان قرار دارد، مردسالاری به معنای صحیح آن نیست، بلکه مردسالاری بدین مفهوم که یک نوع دیکتاتوری کوچک در قالب خانواده، در اکثر جوامعی که هنوز نهاد خانواده چارچوب خود را حفظ کرده است و به صورت پدر یا مردسالاری اداره می‌شود. این مرد یا پدر است، که حرف اول و آخر را می‌زند و دیگران حتی در مقام مشورت هم قرار نمی‌گیرند و در این میان دختران و زنان از همه محروم‌ترند. چرا که در اکثر این گونه خانواده‌ها اگر کسی صلاحیت مقام مشورتی را دارا باشد، معمولاً فرزندان ذکور هستند، چون که پسر به دنیا آمده‌اند و قرار است فردا نقش همین پدر را در خانواده دیگری بازی کنند، و الا ناخلف خواهند بود!

بدین گونه، جامعه‌ای که نهاد خانواده به صورت مردسالاری، آن هم به مفهوم دیکتاتوری آن، اداره می‌شود، زنان و دختران در این نهاد، معمولاً جزء افراد مستضعف و محروم خواهند بود. تا نهاد خانواده‌ای که به وسیله پدر و مردی اداره شود که مسؤولیت‌پذیر است و در مقابل تک‌تک افراد خانواده خویش احساس مسؤولیت در همه ابعاد فکری، معنوی و مادی می‌نماید.

امنیت عاطفی و اقتصادی زنان عامل مهم تحکیم نهاد خانواده

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی و سنگ بنای جامعه بوده و در جوامع مختلف دارای نقش، پایگاه و منزلت ویژه‌ای است به گونه‌ای که هیچ جامعه بشری بدون خانواده برپا نمی‌ماند.

بر این اساس، اصل دهم قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران نیز اینگونه به این موضوع مهم پرداخته است: 'از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.'

مقایسه فرهنگ‌ها در این میان کمک می‌کند تا ما در درک روشن‌تر از فرهنگ اسلام در تشویق به تشکیل خانواده سالم و با نشاط بیشتر قردان این فرهنگ غنی بوده و به گسترش آن بهتر بپردازیم . گسترش روزافزون استفاده ابزاری از زنان در تجارت و تبلیغات و ترویج فرهنگ لابی‌گری و بی‌بندوباری در غرب ، استفاده ابزاری از زن در بیشتر تبلیغات تجاری ، استفاده از لقاء فرهنگ برهنگی با مقاصد تجاری و رونق و فروش بسیاری از مجلات و سایتها منجر به سستی بنیان خانواده در غرب شده این درحالی است که در مقابل ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و تشکیل خانواده به عنوان یکی از ارکان مهم حفظ امنیت و حرمت زن در فرهنگ اسلامی است .

یکی از مهمترین علل نداشتن تمایل به ازدواج رسمی و تشکیل خانواده در غرب عدم اعتماد طرفین به یکدیگر برای ادامه زندگی است، بنابر این سعی می‌شود برای مدتی قبل از ازدواج رسمی زندگی مشترک داشته باشند، تا شناخت بیشتری کسب کنند که گاهی تا چندین سال ادامه می‌یابد و بیشتر آنها به جدایی می‌انجامد و زنان آسیب زیادی از این رابطه می‌بینند. گاهی چندین بچه از پدران و یا مادران مختلف در این خانواده‌ها با هم زندگی می‌کنند. واضح است که چقدر عدم ثبات روحی و خطرات مسایل تربیتی ناشی از آن، این خانواده‌ها را تهدید می‌کند .

به رغم حمایت سنگین قانون و پلیس از زنان در برابر ضرب و شتم، بازهم هر روزه تعداد زیادی مجروح و مصدوم در اخبار ملاحظه می‌شود که میتوان میزان بالای خشم نسبت به هم به علت خیانتی که زن یا مرد به یکدیگر میکنند، مصرف مشروبات الکلی و مواد در پارتی‌ها و مجالس میهمانی، بی‌بندوباری زنان و مردان و نبود ترمزهای مذهبی و اخلاقی در افراد را از علت‌های آن دانست.

اگر چه غرب در صادرات فرهنگ خود به کشورهای اسلامی باعث تضعیف بنیان خانواده شده است اما ترویج برخی از مسایل غلط از طریق رسانه‌ها را نیز باید به این عوامل افزود و تمامی مراکز فرهنگ ساز اعم از مدرسه ، دانشگاه و رسانه‌های صوتی و تصویری و نوشتاری در تحکیم و یا تضعیف این نهاد مقدس تاثیر گذارند و لذا باید علاوه بر بررسی تاثیرات منفی غرب، به خوراک‌های فرهنگی نهاد‌های فوق نیز توجه داشت، چرا که چگونگی عملکرد رسانه‌ها می‌تواند در فروپاشی و یا تحکیم بنیان خانواده نقش تعیین کننده ای ایفا می‌کند.

فرهنگ غرب مبانی مادی خود را بر رسانه‌ها حاکم کرده است و به همین جهت رسانه‌های غربی به ترویج لذت‌پرستی پرداخته‌اند و این فرهنگ که متأسفانه از طریق برخی رسانه‌های جهان اسلام نیز تبلیغ می‌شود و این معنای لیبرالیسم غربی است که انسان را اسیر شهوات کرده و به دروغ نام آزادی را بر آن نهاده است تا بنیان خانواده که امر معنوی و مقدس در همه ادیان به‌ویژه در اسلام است را تضعیف کنند.

نتیجه تضعیف بنیاد خانواده، افزایش آسیب های اجتماعی و جرم در جامعه است، براین اساس افزایش نرخ طلاق، بالا رفتن سن ازدواج و کاهش درخواست برای ازدواج نشانه آن است که نهاد خانواده نتوانسته به درستی احساس رضایتمندی در اعضای خود به وجود آورد.

و از دیگر موضوعات اساسی مرتبط با چالش های فراروی زنان در ارتباط با امنیت اجتماعی، امنیت شغلی زنان است که متأسفانه هنوز تعریف مناسبی از اشتغال زن در جامعه وجود ندارد.

در جوامع کنونی ما، زنان، بیش از مردان می کوشند تا با خلاقیت، کار و تحصیلات دانشگاهی، شخصیت اجتماعی خود را افزون تر از هنجارهای مرسوم، بروز دهند. به طور قطع، حضور بانوان در بازار کار ایران، تحولات و تغییرات بسیاری را در پی خواهد داشت. این تحولات - که از نگاه جامعه شناسان به عنوان لایه ای از «توسعه یافتگی» از آن یاد می شود، نگاه های جنسیت گرایانه سنتی را دگرگون خواهد کرد. به این جهت، ضروری است که پیشگامان اندیشه های دینی و فرهنگی و حتی سیاست پیشگان، به نقش زنان و دختران در مسیر توسعه کشور، نگاه واقع بینانه تری داشته باشند؛ نگاهی مبتنی بر انسان مداری عادلانه و شایسته سالاری.

شاغل شدن زنان بر تعدد نقش های آنان که تاکنون به عنوان مادر و همسر ایفای نقش می کردند و اکنون با ورود به بازار کار و اشتغال در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز دخالت دارند افزوده و با بجای گذاشتن اثرات قابل ملاحظه ای بر خانواده تحولات اساسی در روابط ایجاد نموده است. زنان شاغل به علت قبول مسئولیت های مضاعف اجتماعی و خانوادگی در محیط کار و خانواده همواره در معرض تنش و آسیب های روحی قرار دارند. دور شدن مادر از منزل، معطل ماندن وظایف خانوادگی ایجاد فاصله در روابط عاطفی زمینه ساز احساس نگرانی و ناامنی در مادران شاغل بوده و بر اضطراب آنان در محیط منزل می افزاید ایفای مجموع نقش ها فعالیت زن و پیشرفت شغلی را برای زنان مشکل می کند بدیهی است انتقال ناخودآگاه مشکلات کاری به محیط خانواده تنش های روحی و روانی زن را افزایش داده و امنیت و آرامش خانوادگی را سلب می نماید.

زنان بر این باورند که حتی با داشتن همسر و فرزند می توانند به امورات خارج از منزل نیز اهتمام داشته باشند غافل از روحیه ظریف و شکننده ی زنان که با کوچکترین نا ملایمت و تلنگری خدشه دار شده و شاکله وجودی و اجتماعی زن که می بایست منجر به امنیت اجتماعی او و خانواده شود از هم پاشیده و به یکباره نیست و نابود می شود.

تا زمانی که در حوزه زنان برنامه عملیاتی و ساز و کارهای مناسبی تدارک دیده نشود، روز به روز شاهد آسیب های بیشتری در این بخش خواهیم بود چرا که اگر امنیت شغلی و رفاهی برای این افراد فراهم نشود قطعاً فرزندان خانواده نیز تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. زنان در یک احساس روانی و اضطراب دائمی ترس به سر

می‌برند. و این احساس ناامنی برای هویت زن، خانواده و به تبع جامعه او پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت.

واقعیت آن است که تغییرات نقش های زنان بیش تر و بسیار پرشتاب تر از تغییرات نقش های مردان بوده است و «این که دنیای قدیم بر گسست میان دو عرصه خصوصی و عمومی و در نتیجه دو نقش متفاوت بوده که یکی را بر عهده ی زن و دیگری را بر عهده ی مرد می گذاشت ولی با ورود مدرنیته، این نظم سابق به هم خورد و موجب اختلال در وظیفه زنان شد اما وظیفه مرد همان جوری که بود دست نخورده باقی مانده است.

در کارپایه عمل پکن (مصوب همان کنفرانس) نیز در بحث از حوزه بحرانی و نگران کننده «زنان و اقتصاد» ضمن توضیح این مطلب که : مراقبت از کودکان، بیماران و سالمندان، مسئولیت هایی است که به دلیل فقدان برابری و تقسیم نامتوازن کار بامزد و بی مزد میان زن و مرد به گونه ای نامتناسب بر عهده ی زنان قرار دارد» دولت ها را موظف به مواردی کرده است از جمله:

- تضمین وجود فرصت هایی برای زنان و مردان از طریق قوانین، انگیزه ها و یا ترغیب آن ها در این راستا که با محفوظ بودن مشاغل خود از مرخصی ویژه والدین استفاده نمایند و مزایای ویژه والدین را دریافت کنند. ارتقای تسهیم برابر مسئولیت های خانواده میان زنان و مردان از طریق قوانین، انگیزه ها و یا ترغیب مقتضی و نیز تسهیل بیش تر شیردهی برای مادران کارگر

- در فصل دوم سند پکن + ۵ (مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی سال ۲۰۰۰، به «آگاهی فزاینده ای که نسبت به لزوم آشتی دادن اشتغال و مسئولیت های خانوادگی در آثار مثبت اقداماتی نظیر دادن مرخصی زایمان به مادران و پدران (مرخصی والدینی) و نیز ارائه خدمات و مزایای مراقبت از فرزند و خانواده پدید آمده است» به عنوان یک دستاورد در زمینه تعهدات مربوط به اجرای مصوبات قبلی کنفرانس های جهانی زن اشاره شده است و در بحث از موانع مربوط به حوزه ی بحرانی «زنان و اقتصاد» آمده است که «تا زمانی که مردان مشارکت کافی در انجام وظایف و مسئولیت ها نداشته باشند، اختلاط کار بی مزد و مسئولیت مراقبت از کودکان در خانواده و جوامع هم چنان باعث ایجاد فشار نامتناسب کار بر زنان می شود.»

موانع و چالش های در هم تنیده و پیچیده مشارکت تأثیرگذار سیاسی و اجتماعی زنان و امنیت اجتماعی، هم مفهومی عینی و جسمی دارد و هم مفهومی ذهنی. بعد عینی امنیت جنبه بیرونی دارد و به سطح نظارت نیروهای انتظامی و وقوع جرم و ناامنی و... در یک جامعه اشاره دارد، ولی بعد ذهنی امنیت بیشتر به میزان ادراک و آگاهی افراد از ناامنی اشاره دارد و در نتیجه احساس افراد از امنیت را در نظر می گیرد.

فلذا فقر شدید زنان در کلیه سطوح عاطفی، اقتصادی و جنسیتی و سلامتی است که امکان حضور زنان در جامعه اجتماعی را سلب می کند.

که امروزه رویکرد نابرابری جنسیتی، در تمام جوامع، مورد توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است و در کشور ایران نیز مغفول نمانده اما همیشه بی جواب بوده است !!!

✚ زن ها در مقایسه با مردان به آرامش خاطر بیشتری نیازمند هستند

یکی از اساسی ترین نیازهای ما زن ها در روابط صمیمیمان این است که احساس امنیت کنیم. و صرفاً امنیت جانی یا فیزیکی و جسمانی نیست، بلکه بیشتر امنیت احساسی و عاطفی است. احساس عمیق و درونی از این که رابطه ی محکم و استوار و ماندگار داشته باشند و این که نامزد/ همسر در عشق خود جدی و ثابت قدم باشد و به ما نیز متعهد و پای بند. به طوری که بتوان به عشق او اعتماد کرده و اجازه دهیم تا تمام و کمال عشق ورزیده و جز عشق پاسخ نگیریم.

این امنیت عاطفی کلید گشایش دل و جان زن محسوب می شود. هنگامی که زن ها احساس امنیت می کنند می توانند دل داده و خود را آرام کنند. زن مادامیکه احساس امنیت می کند، خطر پذیر شده و در عین حال آرامش خاطر داشته و می درخشد.

✚ نیاز احساس امنیت، برای زنان اهمیت دارد.

تمامی زن ها، جایی در ژرفای وجودشان اندکی احساس ناامنی دارند. شاید به لحاظ برخی مناسبات اعتراف به این حقیقت صحیح نباشد. اما این بوده و تا ابد نیز خواهد بود. هر چه قدر ما زن ها خود را با سواد، آزاد، مستقل، و متکی به خود تلقی کنیم، اما باز هم بخشی از روح و روان ما وجود دارد که همواره با آن در حال نبرد و سروکله زدن هستیم و همواره نیز خود را به این دلیل سرزنش می کنیم. اما هرگز قادر نیستیم بر آن چیره شویم، یا آن را از میان برداریم و یکی از رازهای ناگفته ی ما زن ها نیز همین است.

✚ منشاء احساس ناامنی در زنان

پیش از هر چیز این احساس زاییده زندگی در اجتماعی است که در آن مردها در بیشتر زمینه ها تسلط دارند. اجتماعی که در آن هنوز بیش از چند دهه نیست که زن ها (اسماً و نه رسماً - در کتاب های قانون و نه در عمل) از جایگاهی برابر و حقوقی مشابه با جایگاه و حقوق مردان برخوردار هستند. حقوقی که از صبحدم تاریخ مردان همواره از آن بهره مند بوده اند. حتی امروز نیز در بسیاری از مناطق همین کره خاکی جنس مذکر بسیار ارزشمندتر تلقی می شود و نوزادان دختر به دست مرگ سپرده می شوند و به درد خانواده نمی خورند

چرا که پیش از هر چیز به زیان اولاد ذکور و وارثینی هستند که فردا روز مستغلات و دارایی های خانواده به آنان منتقل خواهد شد.

ممکن است بگویید که این حالت فقط در کشورهای توسعه نیافته واقعیت دارد با وجود این حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهان از جمله ایالات متحده نیز دستمزد زنها حتی در قبال انجام کاری واحد از دستمزد مردها کمتر است. این مطلب همچون زنده به گور کردن نوزادان دختر فجیع نیست، اما هنوز به وضوح القاء کننده این پیام است که مردان با ارزش تر از زنان هستند، این طور نیست؟

در سطح جسمانی نیز زن ها ماهیتاً در مقایسه با مردان در معرض آسیب پذیری هستند. که این خود نیز به احساس ناامنی درونی زن ها می افزاید. بدن زن ها می تواند مورد تجاوز مردان قرار بگیرد .

مردان می توانند به رغم میل باطنی و تمایل زن ها به حریم شخصی و مختص به خود آنها وارد شوند. بیشتر ما زن ها به لحاظ جسمانی، ضعیف تر از مردها هستیم. گرچه ممکن است هرگز به این واقعیات به طرزی خودآگاه فکر نکنیم و متوجه آن ها نباشیم، اما در سطحی ناخودآگاه، احساس امنیت فیزیکی (جسمانی) و روحی - روانی زن ها را تحت تأثیر قرار می دهند.

اما به منظور درک هرچه عمیق تر ریشه های اساسی ناامنی زن ها، باید به زمان های بسیار دور و آغاز تمدن بازگردیم و به اجداد مؤنث خود نگاهی بیاندازیم. زن های آن زمان به منظور بقاء و حفظ حیات خود کاملاً متکی به مردان بودند. این مردها بودند که شکار می کردند، لذا تنها تأمین کنندگان غذا محسوب می شدند. جنگجویان نیز همین طور. بدین معنا که این فقط مردها بودند که می توانستند در مقابل حملات دیگر حیوانات یا تهدیدات انسانی مقابله کنند و زن ها و بچه ها را در مقابل این گونه خطرات محافظت نمایند. در چنین شرایطی زن ها تنها یک هدف را در ذهن خود دنبال می کردند. این که مردانی را بیابند که از آن ها و بچه هایشان مراقبت و محافظت کنند. بچه هایی که به محض شروع قابلیت باورری در زن تعداد بسیاری از آن ها یکی پس از دیگری متولد می شدند.

زن ها ممکن است به دلایل مختلفی دچار احساس ناامنی شوند. در زیر چکیده ای از مواردی که میان بسیاری از زنها مشترک بوده و احساس امنیت یا ناامنی را در آنان هویدا می سازد ذکر می شود؛

آنچه موجب احساس امنیت در زنان می شود	آنچه موجب احساس ناامنی در زنان می شود
تعهد، پای بندی و وفاداری	چشم چرانی - شهوترانی
تعریف و تمجید و تحسین	انتقاد و سرزنش
ثبات قدم	تزلزل و بی ثباتی

قابل اعتماد بودن	بی مسئولیتی
ما را به پستوهای درون خود راه دادن	رازهای درون خود را پنهان کردن
عشق و حرارت	قضاوت و محاکمه
نزدیک شدن	دوری گزیدن
مکالمه و ارتباط	سکوت
حل و فصل و رسیدگی به مسائل	انکار و نادیده گرفتن
برنامه ریزی و وقت صرف کردن	ابهام و عدم قطعیت
آسودگی خاطر	فقدان یا کمبود و پای بندی

وقتی در جامعه ای، زن بلوغ اجتماعی مستقل نداشته باشد و به لحاظ اجتماعی وابسته باشد؛ اتصال او امنیت اجتماعی او محسوب می شود و انفصال او ناامنی اجتماعی اوست. اگر زن در کودکی و نوجوانی «دختر فلانی» و پس از ازدواج «بانوی فلانی» و پس از آن در پیری «مادر فلانی» باشد؛ اولاً با ناامن شدن وضع «فلانی» دچار ناامنی اجتماعی می شود و ثانیاً، اگر «فلانی» او را براند یا حریمش را رعایت نکند دچار ناامنی اجتماعی می شود. این سخن جلوه ناامنی اجتماعی زن در جامعه ما است. و البته باید به ریشه ها، علتها، آثار و راه حل‌های آن مجدانه پرداخت.

در نظام‌های حقوقی، زمانی که صحبت از امنیت می شود، منظور، امنیت مردم است، روشهای حقوقی، ساختارهای تشکیلاتی حکومت همگی به گونه ای ترسیم می شود که نتیجه کار امنیت جامعه باشد. در این وضعیت و نگرش، مقوله امنیت زنان مثل امنیت کودکان و سایر اقشاری که به لحاظ شغل و حرفه شان در معرض خطرات اجتماعی قرار می گیرند مهم است.

(در واقع بسیاری از این تبعیض ها و ستم ها را باید نشات گرفته از مناسبات ستم آلود میان زن و مرد دانست و تا این مناسبات ستم آلود، دگرگونی نیابند، تحقق برابری واقعی زنان و مردان، آرزویی بیش نخواهد بود. بنابراین، برابری قانونی به تنهایی نمی تواند تمام یا حتی بیشتر نابرابریها را از بین ببرد و باید ضمن آن که از طریق تثبیت چارچوبهای حقوقی بین المللی به برابری قانونی دست می یابیم، در کنار آن از طریق بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در جهت حصول تساوی جنسی و از طریق تغییر سنن و الگوهای رفتاری دیرینه که موجب ادامه تبعیض علیه زنان می باشد، به تساوی واقعی نیز رسید^۱.

^۱ The Quest for Women's Rights United Nations Focus, julu ۱۹۹۱-۵, p.۱

✚ به عبارت دیگر، یکی از چالش های رودرروی زنان این است که بسیاری از الگوهای رفتاری و فرهنگی و اجتماعی و همچنین سنتها و عرفهای جوامع، عملاً آن ها را از بسیاری از امتیازات بی بهره می سازد و مانع از مشارکت واقعی آنان در زندگی عمومی شده و بالمآل تبعیض در عمل و واقع را نسبت به آنان در پی دارد که باید با اتخاذ تدابیری خاص در جهت مقابله با این نوع از تبعیض ها گام برداشت و در امحا و ریشه کنی آن ها کوشید.

براساس اعلامیه ی وین و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حقوق بشر زنان و دختر بچه ها غیرقابل انکار و قسمت لاینفک و غیرقابل تجزیه حقوق بشر جهانی است. شرکت برابر و کامل زنان در زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی ریشه کن کردن تمام شکل های تبعیض جنسی از اهداف اولویت دار جامعه بین المللی است. (Fact Sheet, No, ۲۲). (اعلامیه حقوق بشر)

علیرغم پیشرفت های نسبتاً خوب در سایر زمینه های مربوط به حقوق بشر، در جهت جلوگیری از سوءاستفاده از حقوق زنان متأسفانه کمتر توجه شده است. روزانه تعداد زیادی از جمعیت جهان صرفاً به خاطر زن بودن هدف شکنجه، گرسنگی، حقارت و حتی قربانی قتل قرار می گیرند. کمتر کشوری در برقراری ارتباط با سایر کشورها به سابقه رفتار طرف مقابل در مورد برخورد با زنان توجه می کند. کمتر سازمان غیردولتی به طور خاص در جهت حقوق زنان تلاش خود را متمرکز کرده است. آمار منتشره از طرف سازمان های حقوق بشری مثل عفو بین الملل نشان می دهد که قبل از تولد، در دوران کودکی و بلوغ جنس مونث چندین برابر بیشتر از مردان قربانی نقض حقوق بنیادین قرار می گیرد. زنان هدف انواع مختلف نقض حقوق مانند زنا، ضرب و جرح پی در پی، کار و ازدواج اجباری، خشونت، شکنجه و حتی مرگ، قرار می گیرند. جامعه حقوق بشری باید از چارچوبی که نرم های آن توسط جنس مذکر تعیین گردیده خارج شده و بتواند پاسخگوی خشونت بی رحمانه و سیستماتیک علیه زنان در جهان باشد. حقوق زن باید جزء لاینفک حقوق بر محسوب گردد (اعلامیه حقوق بشر)۷

✚ پیشینه اجتماعی ما نشان می دهد که امنیت زنان در این نظام امنیتی درست در جامعه ترسیم نشده و در مواردی هم که پایگاه حقوقی ترسیم شده ای از امنیت اجتماعی زنان وجود دارد، درست اجرا نمی شود. این نقیصه یک علت کلی دارد و آن هم محدود شدن مفهوم امنیت به امنیت حکومت است، نه امنیت جامعه. نقض امنیت زنان در جامعه، در وهله اول میراث تلقی غلط از امنیت بوده و وضعیت زنان تحت تاثیر کاستی های دیگری هم هست که امنیت آنها را تا حدی یک فاجعه کاهش می دهد که معلول و عوامل جامعه شناختی و اقتصادی است.

✚ خشونت جنسی در زنان و دختران و آمارهای تکان دهنده


خشونت جنسی در تمام جهان رخ می‌دهد، گرچه در بیشتر کشورها تحقیقات کمی روی این مسئله انجام شده‌است به خاطر طبیعت خصوصی خشونت جنسی، تخمین میزان گستردگی مسئله مشکل است.


خشونت جنسی تأثیر عمیقی بر سلامتی جسم و ذهن دارد. در عین حال که سبب جراحتهای فیزیکی می‌شود، با خطرات فزاینده‌ای از مشکلات جنسی و تولید مثلی نیز مرتبط می‌شود که پیامدهای فوری و طولانی مدت دارد و تأثیر آن بر سلامتی روان زنان به اندازه تأثیر فیزیکی آن جدی است و ممکن است به همان اندازه طولانی باشد، مرگ‌های پس از خشونت جنسی ممکن است در اثر خودکشی، آلودگی HIV یا قتل باشد که این یکی یا طی تجاوز جنسی اتفاق می‌افتد یا پس از آن با عنوان قتل ناموسی. خشونت جنسی می‌تواند چهره اجتماعی قربانیان بخصوص زنان را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد، افراد ترک وطن کرده یا از طرف خانواده و دیگران طرد شوند. بطوریکه انگ فاحشگی یا روسپی‌گری به آنان زده می‌شود.

سکس همراه با زور ممکن است خشنودی جنسی ارتکاب کننده را به همراه داشته باشد، هرچند هدف نهانی آن اغلب بیان قدرت و تسلط بر فرد تجاوز شده‌است. اغلب، افرادی که با شریک زندگی شان سکس همراه با زور انجام می‌دهند معتقدند که عمل آنها قانونی است به این خاطر که آنها ازدواج کرده‌اند و زن در سیطره آنان قرار دارد که این منافاتی با حقوق زنان در جامعه بشریت دارد. طیف گسترده‌ای از اعمال جنسی خشونت بار می‌تواند در شرایط و موقعیتهای مختلف رخ دهد و بطور کلی زنان در زندگی خود چهار شکل خشونت شامل فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی را تجربه می‌کنند، که می‌تواند برای مثال شامل موارد ذیل شود:

- تجاوز به زن توسط افراد ناشناس
- تجاوز در ازدواج یا روابط دوستی رمانتیک
- توجهات جنسی ناخواسته و مزاحمت‌های جنسی که شامل درخواست سکس در برابر ارائه خدمات می‌شود.
- آزار جنسی دختران کم توان ذهنی یا جسمی
- آزار جنسی کودکان

- انکار حق استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری یا بهره‌گیری از سایر اقدامات حفاظتی در برابر بیماری‌هایی که از راه تماس جنسی منتقل می‌شوند.
- سقط جنین اجباری
- اعمال خشونت بار در برابر صحت جنسی که شامل قطع آلت تناسلی و بررسی اجباری بکارت می‌شود.
- تن‌فروشی اجباری و قاچاق انسان به منظور استثمار جنسی زن.
- ندادن خرجی، سوءاستفاده مالی از زن و صدمه زدن به وسایل مورد علاقه او.
- دشنام و به کار بردن کلمات رکیک، بهانه‌گیری‌های پی‌درپی، داد و فریاد و بداخلاقی، بی‌احترامی، رفتار آمرانه و تحکم‌آمیز و دستور دادن‌های پی‌درپی، تهدید به آزار یا کشتن وی، تحقیر زن، قهر و صحبت نکردن و ممنوعیت ملاقات با دوستان

 WHO مطالعه‌ای بر روی داده‌های در دسترس و تحقیقات جهانی انجام داد تا وسعت این مسئله را اندازه بگیرد و گزارشی یک فصلی به نام «خشونت جنسی» را به عنوان بخشی از «گزارش جهانی پیرامون خشونت و سلامتی» ۲۰۰۲ منتشر کرد. گزارش بیان می‌کند که احتمالاً یکی از هر چهار زن از سوی شریک جنسی خود خشونت جنسی را تجربه خواهد کرد و یکی از هر سه دختر گزارش می‌کنند که اولین تجربه جنسی آنها اجباری بوده‌است. داده‌های پژوهش که در سالهای تقویمی دهه ۱۹۹۰ گرفته شد نشان داد که زنان دنیا در شهرهای خاصی گزارش‌های فراوانی از آزار جنسی کرده‌اند. در یک دوره ۱۲ ماهه، ۸٪ از زنان در ریودوژانیرو، برزیل، ۴۵٪ در کامپالا، اوگاندا، ۵۸٪ در بوینس آیرس، آرژانتین گزارش آزار جنسی دادند. این نرخ‌ها در طول زمان مشکلی به مراتب بزرگتر را نشان می‌دهند. از ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۰، گزارش جرم جنسی علیه ۷۷٪ از زنان در ایالات متحده، ۲۳٪ در شمال لندن، بریتانیا، ۲۹۹٪ در بانکوک، ۱۵۳٪ در تورنتو، کانادا انجام شد. بیش از ۴۰٪ از زنان در قسمت‌هایی از مکزیک و پرو در طول این دوره گزارش خشونت جنسی کردند. در میان کشورهای بررسی شده، فنلاند به دلیل پایین‌ترین نرخ ۵۹٪ برجسته شد.

 همچنین مطابق آمار ارائه‌شده در سال ۹۴ در قوه قضائیه، آخرین آمار جرم‌های کیفری که تا سال ۹۳ ثبت شده است، از افزایش شدید تجاوز به زنان و دختران در چند سال اخیر در ایران خبر می‌داد. نماینده معاونت راهبردی قوه قضائیه از افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی تجاوز به‌عنف از سال ۸۹ خبر داده و گفته: در سال ۹۳ حدود هزار و ۳۱۳ مورد تجاوز به‌عنف گزارش شده است که این آمار در مقایسه با سال ۹۲ کاهش ۳۰ فقره‌ای را نشان می‌دهد؛ اما در مجموع از سال ۸۹ تجاوز به‌عنف یک افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی داشته و همان رقم تقریباً ثابت است. دکتر قنبرنژاد با بیان اینکه میزان ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران در

سال ۸۹، حدود ۷۲ هزار مورد بوده است، گفت: براساس آمار نیروی انتظامی ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران در سال ۹۳ به ۱۴۲ هزار و ۹۳۳ مورد رسید که افزایش ۹۸ درصدی داشته است. نمونه‌هایی مانند رعنا کم نیستند که آزار و اذیتی که در ۱۸ سالگی از سه برادر دوستش دیده است و سمیه یکی دیگر از آنهاست، که در ۱۴ سالگی مورد آزار و اذیت پسرخاله‌اش قرار گرفته و تنها و تنها کسی که در خانواده‌اش می‌داند، مادرش است و القاهای خفته در بستر خاک... و آنجاست که آدم‌ها از فردی که به او تجاوز شده، دوری کرده و او را به خاطر حفظ آبرو و ادار به سکوت می‌کنند، تا به مرگ تدریجی بمیرند.

برخی از چالش‌های معاصر حقوق بشر زنان

علیرغم اقدامات انجام‌گرفته برای تحقق حقوق بشر زنان؛ چه به لحاظ چارچوب ساختاری و چه از منظر هنجاری، هنوز میلیون‌ها زن در سراسر جهان، تبعیض و خشونت را تجربه می‌کنند. از جمله این‌که:

- ۱- حقوق و سیاست‌هایی اجرا می‌شود که زنان را از حقوق بنیادین همچون دسترسی به زمین، مالکیت، و مسکن منع می‌کند.

- ۲- تبعیض اقتصادی و اجتماعی منجر به ضیق معیشتی برای زنان شده است و همین امر زنان را در برخی مناطق در برابر قاچاق انسان، آسیب‌پذیر خواهد کرد.

- ۳- حقوق اولیه هزاران زن و دختر مانند حق حیات و احترام به تمامیت جسمی و روانی، در ضمن مخاصمات مسلحانه در سراسر جهان نقض می‌شود و نکته مهم، برخورد گزینشی نهادهای حقوق بشری در مواجهه با این فجایع انسانی است؛

- ۴- نقش حیاتی زنان در تأمین صلح و امنیت، در اغلب موارد نادیده گرفته می‌شود؛ درحالی‌که بیشترین تهدیدات در طول مخاصمات مسلحانه متوجه زنان و دختران است؛

- ۵- دختران در برخی جوامع از دسترسی برابر به آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی محروم هستند.

در دوران جدید عنصر اصلی ثبات و نظم و امنیت به مقدار سرمایه اجتماعی، میزان پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای جمعی و به فضایل اخلاقی بازمی‌گردد. بر اثر تداوم اینچنین شرایطی و افزایش ناامنی اجتماعی، سرمایه اجتماعی در جامعه رو به زوال می‌رود و در درازمدت پیامدهای منفی بیشماری بر جامعه انسانی برجای می‌گذارد. به عبارت دیگر در این چنین شرایطی زندگی اجتماعی برای انسان‌ها دردناک می‌شود و روابط اجتماعی کم‌کم دچار فرسایش می‌شود، چرا که در صورت فقدان امنیت اجتماعی، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند.

زنان جامعه ما قربانیان بی دفاع ناهنجاری اقتصادی جامعه هستند و چون امنیت زنان بطور خاص جایگاهی در نظام تأمینی کشور ما ندارد، زنان مجبورند به گونه ای با این معضل مبارزه کنند و در بیشتر مواقع برنده این بازی نیستند و این عدم احساس امنیت یعنی، کنار کشیدن زنان از آنچه که حق مسلمشان است.

🚩 راهکارهای قانونی برای تامین امنیت زنان با توجه به مشکلات پیش رو

طبق آیات و روایات مورد تاکید در دین مبین اسلام، هرگونه خشونت علیه زنان ممنوع است. قوانین موجود مانند قانون مجازات اسلامی جدید یا قانون حمایت از خانواده، قوانین نسبتاً جامعی هستند، اما عرصه قانون بویژه در حوزه امنیت و حقوق زنان دچار نواقص و نارسایی‌های فراوانی است و از بازدارندگی کاملی نسبت به حقوق شهروندی و امنیت فردی و اجتماعی آنها برخوردار نیست بنابراین، اهمیت اصلاح قوانین فعلی و لزوم افزودن بندهایی به آن اجتناب ناپذیر است، چراکه عرصه قانون، عرصه‌ای پویا بوده که همواره قابل اصلاح و تغییر است. به گزیده‌هایی از این راهکارها اشاره می‌کنیم؛

- ۱- به نقاط مثبت و ظرفیت‌های وجودی زن توجه کنیم و تصمیم‌گیری و مدیریت او را محدود به اداره نکنیم و توجه بیشتری به نقش او در خانواده و تصمیم‌گیری‌های خانوادگی نماییم.
- ۲- لحاظ کردن اولویت‌ها در واگذاری کار به مرد و زن و اینکه بایستی در برنامه ریزی‌ها و اقدامات مان در نظام اداری، برای زنان فعالیت‌هایی را در نظر بگیریم که در آنها مؤثرتر، کارآمدتر و موفق‌تر باشند.
- ۳- دولت مردان کشور ما نیز بایستی با سیاست‌گذاری‌های خود فضای لازم را برای بوجود آمدن امنیت زنان در جامعه فراهم سازند.
- ۴- باید آگاهی‌های لازم به شوهران در مورد اشتغال زنان، امنیت آنان در خانه و خانواده و تأثیرگذاری آن بر بنیان‌های اقتصادی و فرهنگی خانواده داده شود.
- ۵- محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای آزاد سازی فعالیت‌های زنان را باید از بین برد.
- ۶- رفع تبعیض علیه زنان، چرا که همه حق دارند که بی‌هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، مزد مساوی بگیرند.
- ۷- ایجاد بستر پاک و فضاهای امن زنانه
- ۸- در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند. و صرف مردانگی شوهر در قضاوت تأثیر گذار نبوده و قضاء جانبداری هر دو طرف بخصوص زن را بکند.
- ۹- گونه‌های آزار جنسی، تجاوز جنسی یا انواع خشونت جنسی علیه زنان با اشد مجازات قضایی حمایت و صورت پذیرد.

۱۰- جنسیت‌زدگی خصمانه به شکل سلطه‌جویی مردسالارانه و باورهای تحقیرآمیز، جایگزین آموزشها و باورهای درست شود.

✚ اقدام قانونی برای تامین بیشتر امنیت زنان

✚ رفع تنگناها و خلاءهای حقوقی و قانونی، طراحی برنامه‌های حمایتی، آموزشی، پیشگیرانه و فراهم کردن زمینه و بستر بروز توانمندی‌های زنان و حمایت‌های قانونی و اجتماعی لازم، از خط‌مشی‌هایی است که باید در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا و با توجه به موارد فوق و به منظور نزدیکی هرچه بیشتر به وضعیت مطلوب و آرمانی مورد نظر در قانون اساسی، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، لایحه تامین امنیت زنان را که اقدامی نو و مغتنم در کشور محسوب می‌شود را در ۸۱ ماده تدوین کرده است. در این لایحه کلیات مورد تعریف قرار گرفته که در سوابق قانونگذاری ما کمتر به اهمیت تبیین آنها توجه شده است. این تعاریف شامل انواع خشونت از قبیل خشونت جسمی، روانی، جنسی و اقتصادی و آزار و مزاحمت جنسیتی، جرایم ناموسی، خودآزاری و تدابیر حمایتی و پیشگیرانه است. در این لایحه تشکیلات و ملزومات حمایتی و پیشگیری‌کننده و تشکیل کمیته ملی تامین امنیت زنان با عضویت نمایندگان نهادهای مرتبط پیش بینی شده است. همچنین، وظایف نهادهای اجرایی و نهادهای حاکمیتی در این خصوص به تفکیک لحاظ شده است. ایجاد بانک اطلاعات جامع از قربانیان خشونت برای گردآوری آمار و اطلاعات منسجم و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها لحاظ شده و الزام مراکز درمانی و پزشکی و مؤسسات و کلینیک‌های مددکاری و مشاوره به اعلام مراتب خشونت علیه زنان به مراجع انتظامی و قضایی نیز در این لایحه گنجانده شده است.

✚ تجربه کشورهای دیگر و قوانین آنها درباره تامین امنیت زنان در شهر

خشونت علیه زنان، مظهر تاریخی نابرابری بین مردان و زنان است که از مکانیسم‌های اجتماعی بسیار مهم در القای موقعیت فرودست به زنان است. طبق اعلام رسمی سازمان ملل متحد، حداقل یک زن از هر سه زن در طول عمر خود مورد ضرب و شتم و خشونت قرار گرفته یا مجبور به رابطه جنسی شده یا مورد آزار قرار گرفته است. بنابراین، اهمیت مبارزه با خشونت علیه زنان و تامین امنیت آنان از جنبه‌های گوناگون در خانواده و اجتماع به یکی از مهم‌ترین مسایل و دغدغه‌های پیش روی جوامع مترقی بشری امروز قرار گرفته است.

✚ در چند دهه اخیر، نشست‌های مختلفی برای بررسی ابعاد مختلف خشونت علیه زنان و تامین امنیت آنان صورت گرفته از جمله، نشست کنوانسیون رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۷۹، کنفرانس حقوق بشر در

سال ۱۹۹۳ و نشست کمیسیون وضعیت حقوق زنان ۲۰۱۳ و چندین و چند نشست رسمی دیگر توسط نهادهای مختلف مدنی و حقوق بشری که طی هرکدام از آنها راهکارهای مختلفی ارائه شده و مورد بحث قرار گرفته است. از جمله این قوانین و پیشنهادات می‌توان به آگاهی‌بخشی فراگیر اجتماعی در جهت احترام به حقوق زنان و مبارزه با آداب و سنن غلط، توجه بیشتر نهادهای انتظامی و نهادهایی که مسئولیت اولیه تامین امنیت شهروندان را به عهده دارند اشاره کرد. همکاری بیشتر در راستای برقراری قوانین مصوب و مبارزه با مجرم در راستای تامین امنیت زنان، تشدید مجازات متعرضین به حقوق زنان، تلاش در جهت رفع نابرابری و تبعیض و قضاوت‌های بر مبنای جنسیت در دادگاه‌ها، آموزش فنون دفاع شخصی به این قشر و آگاه کردن آنها نسبت به مکان‌های پُرخطر و در نظر گرفتن مسایل و نکات امنیتی و ...، از جمله راهکارهایی است که در کشورهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه گیری:

تأمین امنیت اجتماعی مهمترین نیاز زنان در ایران است.

آنچه در بین زنان بیش از آمار و ارقام عدم امنیت مشاهده می‌شود، احساس ناامنی است. اگر چه امنیت اهمیت دارد، اما بسیاری احساس امنیت را مهم‌تر از امنیت می‌دانند. عموماً در بین زنان این تصور و ذهنیت وجود دارد که در جامعه برای آنان امنیت وجود ندارد. حتی اگر به نظر در جامعه امنیت وجود داشته باشد، اما زنان ممکن است احساس امنیت نداشته باشند.

اگر زنان بخش اعظمی از وقت و انرژی خویش را صرف خانه و خانواده نمایند از مردان عقب خواهند ماند از این رو مردان هم بایستی به طور مساوی با زنان در کارهای خانه داری سهیم باشند. تا زنان بتوانند همانند مردان در عرصه‌ی اشتغال و کسب درآمد حضور یابند.

زن محور و مدار خانواده است و حضور عاطفی و فیزیکی او در خانواده سبب فراهم آمدن زمینه‌های رشد و تعالی در همسر و به ویژه در فرزندان است زن با حضور خویش فرزندان را از محبت و عواطف خویش سیراب می‌سازد. فرزندان رشد می‌کنند و شخصیت مطلوب در آنان شکل می‌گیرد.

اسلام به دلیل نقش حساس و تأثیرگذار زنان در خانواده، نان آوری و تأمین معاش را از عهده‌ی آنان برداشته و مردان را موظف به تأمین نفقه‌ی همسر و فرزندان ساخته است. طبیعی است زن هنگامی می‌تواند با آرامش و آسایش خیال و با فراغت خاطر به ایفای نقش در خانواده بپردازد که اولاً، دغدغه‌ی تأمین هزینه‌های زندگانی را نداشته باشد، ثانیاً فرصت‌های او و انرژی او در خارج از خانه به گونه‌ای صرف نشود که توان کافی و مفید برای تأثیرگذاری در خانواده، برای او باقی نماند. بنابراین هرچند در دنیای صنعتی و مدرن امروز، زنان برخی از ساعات خویش را مصروف اشتغال و دیگر فعالیت‌های اجتماعی سازند اما این زمان باید بخش اندکی از ساعات مفید زندگی زنان باشد تا مسئولیت‌های خانوادگی زنان را تحت الشعاع قرار ندهد.

بر اساس آن چه گفته شده این که امروزه بسیاری از زنان به دلیل ناکافی بودن درآمد شوهران خویش به اشتغال روی می‌آورند، وضعیتی غیرطبیعی و اضطراری است چرا که حکومت دینی می‌بایست شرایطی را فراهم سازد که در آمد شوهران، به حدی باشد که زنان مجبور نباشند برای کمک به معاش خانواده فشار مضاعف اشتغال را تحمل نمایند.

از گذشته تا به امروز جامعه‌شناسان بزرگ جهان، همواره بر ضرورت حفظ کانون خانواده و اهمیت آن در سازندگی جامعه تأکید کرده‌اند. به اعتقاد آنان به هیچ قیمتی نباید روابط عاطفی و معنوی خانواده کمرنگ گردد و در این میان تفکیک نقش‌ها در خانواده جایگاهی اساسی دارد. نمی‌توان و نباید گفت همه افراد

خانواده باید نقش های مشابه و مشترک داشته باشند زنان و مردان به دلیل تفاوت های اساسی در روح روان، و جسم، توانایی های و ویژگی های متفاوتی دارند و از این جهت باید نقش های متفاوتی را در خانواده ایفا کنند. این که امروزه گفته می شود آن چه مهم است حضور معنوی مادر است نه حضور فیزیکی او در کنار فرزندان، تنها شعاری بیش نیست به هر حال حضور معنوی نیز نیازمند زمان کافی و شادابی مادر است و اگر مادر بخش عمده ی ساعات مفید روز را صرف نان آوری کند، در ساعات بعد خسته از کار نیازمند استراحت است و توان کافی برای مادری و همسری کردن ندارد و در نتیجه تمامی خانواده آسیب می بیند.

بر اساس آن چه گفته شد می توان نتیجه گرفت که در دنیای مدرن امروز راه حل عملی برای تعادل در جامعه آن است که با تأمین کافی خانواده ها، اشتغال بیرون از خانه برای زنان بخش عمده ی وقت آنان را در برنگیرد و سیاست گذاران و برنامه ریزان جامعه شرایطی را فراهم سازند که زنان بتوانند از شرایط مطلوب اشتغال استفاده کرده و حتی در مواقع لزوم بدون از دست دادن شغل خویش از مرخصی های طولانی برای حضور در کنار فرزندان خردسال (حداقل تا دو یا سه سالگی) استفاده کنند.

از دیدگاه اسلامی زنان مالک تمامی اموال و درآمدهای خویش هستند و وظیفه ی تأمین هزینه های فرزندان و خانواده را ندارند و می توانند با صرف نفقه ی تأمین شده از سوی شوهر، تمامی درآمدهای خویش را آن گونه که خود مایلند مصرف نمایند شوهران حق تصرف در اموال زنان را ندارند.

بدیهی است در برقراری امنیت در یک جامعه، همواره مشکلاتی وجود دارد. چالش ها و موانع فراوری پیشگیری خانواده مدار در جهت ایجاد امنیت نیز از موضوعاتی است که همواره باعث ایجاد دغدغه برای مردم و مسئولین شده است. از مواردی که می توان در رابطه با بحث حاضر به عنوان چالش و مانع مطرح نمود، تغییر در انتقال ارزش ها، کم توجهی به تربیت دینی فرزندان، کاهش روابط عاطفی، افزایش طلاق، افزایش استفاده از رسانه ها، افزایش سن ازدواج و تغییر در شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج می باشد.

منابع:

- ۱- ابراهیم مساوات - جهانگیری جهانگیر - بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۰ سال شهر شیراز
- ۲- هوشنگی طاهره - زنان و احساس عدم امنیت در فضاهای شهری .
- ۳- باربارادی آنجلیس - زن ها نیاز دارند احساس امنیت کنند
- ۴- امنیت اجتماعی زنان- مجله پیام زن آذر ۱۳۷۵، شماره ۵۷
- ۵- گلن، جانسون، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه: محمد جعفر پوینده، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- ۶- میرزا بابایی نیره - جایگاه زنان در اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ۷- مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- ۸- محمدی حمید - مباحثی پیرامون اشتغال زنان، ، تهران: اداره کل پژوهش های سیما، ۱۳۸۰.
- ۹- زن و توسعه پایدار، گروه تدوین، تهران: انتشارات سازمان محیط زیست، ۱۳۷۸ .
- ۱۰- برزگر صادق - فرار دختران ، قم: نشر جمال، ۱۳۸۲.
- ۱۱- مجله دانش پژوهان پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۹
- ۱۲- اکبری نعمت الله ، کنش و واکنش متقابل مشارکت زنان در اجتماع و توسعه فرهنگی، سمینار زن و توسعه فرهنگی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۴.
- ۱۳- زنجانی زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰)، زنان و امنیت شهری، مجله ادبیات و علوم انسانی، سال سی و چهارم، شماره سوم و چهارم.
- ۱۴- شایگان، فریده، «مفهوم مطلق حقوق زن»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، ش ۲، ۱۳۷۴.
- ۱۵- جهانگیری، جهانگیر و ابراهیم مساوات- بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه -زنان ۴۰-۱۵ ساله شهر شیراز، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۲، ش ۲، (۱۳۹۲)
- ۱۶- مهاجرانی علی اصغر- گلستان زهرا - امیری صدیقه بررسی عوامل مؤثر بر امنیت و احساس امنیت اجتماعی زنان (سیویلیکا)
- ۱۷- نویدنیا، منیژه. ۱۳۸۸، امنیت اجتماعی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. مطالعات راهبردی بهار ۱۳۸۲، دوره ۶، شماره ۱ (۱۹) از صفحه ۵۵ تا صفحه
- ۱۸- گیدنز، آ، جامعه شناسی، ص ۲۱۸، ۱۳۷۹، تهران، نشر نی
- ۱۹- روایت دختران از آزار جنسی - سایت خوان روزنامه دنیای اقتصاد - تاریخ انتشار : ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ شماره خبر : ۳۲۰۱۸۲۵

Lockwood, C.E (۱۹۹۸), et al, (eds), The International Human Rights, London, Zed Book, Ltd.

Gender and Health Research Unit ,Medical Research Council, South Africa Private Bag x۳۸۵, ۰۰۰۱ Pretoria, South Africa, E-mail: svri@mrc.ac.za

Gender and Health Group, Medical Research Council, Pretoria, South Africa.
rjewkes@mrc.ac.za, The epidemiology of rape and sexual coercion in South Africa

Ministry of Justice is for providing the people of Afghanistan with the justice they need and safeguarding their rights